

حقوق جزائی

در آلمان

حاجت به توضیح نیست که حقوق جزائی اکثر ملل مبنی بر طرفداری از افراد و رعایت حال متهمین بوده و غالب کشورهای حقوق خود را روی این اساس قرار داده اند حتی بعضی از علمای حقوق در این خصوص قدری هم جلو رفته و گفته اند: هرگاه در اثر اشتباه دادرس صد نفر گناه کار نبرئه شود بهتر است از اینکه اشتباهاً یک نفر محکوم گردد و با در نظر گرفتن همین اصل قواعد زیادی برای حمایت متهمین وضع شده مثل اینکه هیچ عملی را نمیتوان جرم شناخت مادامیکه قانون آنرا صریحاً جرم نشناخته هر چند عمل عقلا و عادة از اعمال مذمومه باشد و یا اینکه هرگاه بعد از ارتکاب جرم قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات مقرر شود نسبت بجرم های سابق بر وضع آن نیز مؤثر خواهد بود و یا اینکه تشدید مجازات محکوم علیه یا تعیین مجازات برای متهمی که در دادگاه نالی برائت حاصل کرده جایز نیست مگر در مواردیکه دادستان در خواست استیناف نموده باشد و امثال و نظایر اینها ولی ظاهراً علمای حقوق آلمان از این اصل (رعایت متهم) که از قدیم مدار حقوق جزائی بوده عدول کرده و میخواهند حقوق خود را بر اساس دیگری که عبارت از اساس حمایت جامعه میباشد مستقر سازند زیرا: روش آلمان و آلمان ناسیونال سوسیالیست در این قسمت تغییرات کلی پیدا نموده نظر به عقیده و مرام این حزب در مسائل جزائی نیز در درجه اول جامعه را باید مورد رأفت و حمایت قرار داد زیرا مادامیکه جامعه قوی و نیرومند نباشد نمی تواند فرزندان سعادت مند پرورش دهد و بهترین طرق برای اعمال رأفت و حمایت بجامعه تبعیت اراده پیشوای جامعه می باشد زیرا اراده پیشوای

جامعه مظهر اراده خود جامعه است پس اطاعت او امر پیشوا و اجرای منویات او از رعایت حال فلان متهم اولی و اصلح خواهد بود. و با تسلیم این اصل در قاعدت عدم عطف قوانین جزائی بماسبق و امثال و اشباه آن تغییرات مهمی داده شده است پس از اینکه تقدم حقوق جامعه بر حقوق افراد بشر حیکه فوقاً ذکر شد مسلم گردید تقدم حقوق عناصریکه جامعه از آن متشکل است بر حقوق افراد نیز محقق خواهد بود زیرا: جامعه بدون این عناصر زندگی نخواهد داشت و اهمال در ادای حقوق اینها در حقیقت حقوق نسبت بجامعه می باشد و عناصر نام برده عبارت است از فرقه - ارتش - خاک آلمان - شرافت ملی و غیره و با متابعت این اصل هم مجازات های بسیار شدید برای مخالفت با حکومت و قوانین مربوطه به حفظ شرافت ملی و مقررات راجعه بحمايت و طرفداری از فرقه ناسیونال سوسیالیست تعیین شده است.

طرفداران این اصلاحات در حقوق جزائی آلمان بدو بخش منقسم میشوند از پیشوایان بخش اول آقای دام استاد دانشکده کیل میباشد مشارالیه میگوید: حقوق جزائی آلمان از این قواعد بی معنی و بیگانه باید مستخلص شود زیرا: معنی ندارد که ملت آلمان برای تأمین زندگی خود اصول و قواعدی از کشورهای دیگر اقتباس و استماره نموده و آنرا مبنی و اساس برای حقوق جزائی اتخاذ کند بلکه خود جامعه باید با تشخیص احتیاجات فعلی اصول و قواعد متناسبی که بتواند اساس قوانین جزائی واقع شود وضع نماید.

از پیشوایان بخش دوم استاد ژیلر و استاد اسوتس میباشد و بنا بقعیده ایشان نیز در مسائل جزائی طرفداری از

جامعه را بر تأمین حقوق افراد باید مقدم شمرد ولی میگویند در انتخاب اصول و مبانی قوانین مقنن باید مختار و مستقل باشد و پس از آنکه قواعد بر ماخذ و مبنا قرار داد هیچ وقت نباید از آن تخطی نماید و عقیده دارند که اظهارات فرقه دیگر غالباً مبنی بر احساسات است و جایز نیست که احساسات را بر دلایل علمی مزیت و تفوق و غلبه بدهیم بلکه لازم است که برای حل مسائل معضله حقوقی دلایل و براهین علمی را مقدم بداریم.

علاوه بر آنچه گفته شد بمنظور رعایت این اصل (رعایت نفع جامعه) یاره اعمال که تا بحال جرم نبوده و همچنین ترك یاره از اعمال جرم شناخته شده مثلاً برای اهمال و غفلت از یاره وظایف اخلاقی مجازات هائی وضع شده هرگاه کسی از نقشه مضر يك یا چند نفر که برای ارتکاب جرم تهیه شده اطلاع داشته باشد و قبل از وقوع جرم مقامات صلاحیت دار را مطلع نکند و یا کسیکه میتواند از وقوع خطری جلوگیری نماید از اقدام لازم غفلت یا خودداری کند جزائماً مسئول

میباشد و بنابراین هرگاه رفیقہ يك نفر دزد از نقشه دزدی او اطلاع داشته باشد و بقصد استفاده از مال و برای داشتن جواهر (نه بقصد اینکه معشوق او از تعقیب و مجازات مصون باشد) مقامات صلاحیت دار را از نقشه مطلع نکند مستحق مجازات خواهد بود.

حتی بعضی از مؤلفین در مجازات غفلت و اهمال قدری هم افراط نموده میگویند:

هرگاه کارگری که در خانه برای تمیز کردن در و پنجره بالای نرد بام ایستاده و در اثر خرابی نرد بام بیفتد و بمیرد صاحب کار که کارگر را از خرابی نرد بام آگاه نموده و از انجام این تکلیف غفلت کرده مستحق مجازات قتل در اثر بی احتیاطی میباشد.

ولی غالب مؤلفین افراط در مجازات را تا این درجه جایز ندانسته و میگویند صاحب کار در صورت مفروضه فقط مسئولیت حقوقی خواهد داشت.

وحدت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی